

ملاحظات قابل توجه

## حضور فناوری‌های جدید در برنامه‌های درسی و آموزشی

در سال‌های اخیر شاهد استفاده جلدی از فناوری‌های اطلاعات، ارتباطات و اینترنتی در نظام آموزشی کشور هستیم. گرچه این رویکرد گام‌های اولیه خود را برمی‌دارد و هنوز پیکره آموزش و پرورش ما به صورت علمی و فراگیر با این جهت‌گیری شکل نگرفته است، اما سرعت گسترش و نفوذ سامانه‌های اطلاع‌رسانی، رایانه‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی در میان دانش‌آموزان و معلمان، بسی قابل توجه است.

امروزه چه بخواهیم و چه نخواهیم، فناوری رایانه در بسیاری زمینه‌ها راه پیدا کرده و گسترش یافته است. این فناوری سبب شده است که صحبت از موضوعاتی هم‌چون مدارس و دانشگاه‌های مجازی، جدی‌تر شود و نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد. این موج که چند دهه است کشورهای پیشرفته صنعتی جهان را به دنبال خود می‌کشد، نظام‌های آموزشی را به شدت متحول کرده است. در حال حاضر، رایانه ساعت‌ها و وقت افراد جامعه از کودک دبستانی تا استاد دانشگاهی، مدیر، محقق و جوان را به خود اختصاص داده است.

کشور ما و نظام آموزش ما نیز نمی‌تواند بی‌توجه به این تحولات، به راه خود ادامه دهد، چرا که بدین ترتیب، هر لحظه سرعت فاصله گرفتن کشورهای در حال توسعه از کشورهای پیشرفته افزایش می‌یابد.

امروزه کشورهای توسعه یافته مانند ژاپن، پیشرفت شگرف خود را مرهون پشتکار و دقت در عمل می‌دانند. در این میان، به نقش بسیاری داشته است، اما در این جا یک نکته باقی می‌ماند و آن توجه به این موضوع است که آنان از رهگذر بهره‌برداری از فناوری‌های جدید، چه به دست آورده‌اند و چه از دست داده‌اند؟

در ملاقاتی که با تنی چند از معلمان با سابقه دوره ابتدایی ژاپنی داشتیم، نکات جالبی را مطرح کردند. این نکات می‌تواند برای ما که در توسعه فرهنگ و به کارگیری و فناوری‌های جدید می‌کوشیم، مفید باشد. توجه به تجربیات آنان به ما کمک می‌کند معلمان امروز خود را به گونه‌ای تربیت کنیم که نسل فردای ما و معلمان آینده کشور ما، برخوردار صحیحی با این پدیده (فناوری) داشته باشند.

بنا به گفته آنان، «دانش‌آموزان کشورهای پیشرفته، از جمله دانش‌آموزان ژاپنی، در سال‌های اول آموزش خود در مدرسه و حتی قبل از آن در خانه، به خوبی کار با رایانه را عموماً فرا می‌گیرند. آن‌ها ساعت‌ها پای رایانه می‌نشینند و از این طریق، به دیدنی‌ها و دانش‌های جدید دست می‌یابند، به طوری که در سال‌های بعد قادرند در کوتاه‌ترین زمان، به آخرین دستاوردهای علمی در موضوعات فضا، ورزش، تجارت، پزشکی، اختراعات و اطلاعات سیاسی و... دست یابند.

معلمین ژاپنی نیز در این مورد همکاران و راهنمایان خوبی برای آنان هستند. آن‌ها دانش‌آموزان را کمک می‌کنند که با یافتن و ترکیب اطلاعات، به راهبردهای جدید و ابداعات تازه دست پیدا کنند و حتی شگفتی بیافرینند.

اما در عین حال، کودک و جوان دانش‌آموز فعلی این کشور، در این دل مشغولی الکترونیکی که بیشتر وقت او را پر کرده، از یک چیز غافل مانده و آن توجه به طبیعت و محیط پیرامونی خود است.

امروزه کمتر دانش‌آموز ژاپنی فرصت پیدا می‌کند که از نزدیک با کوه، جنگل، حیوانات اهلی، جریان رودها، ماهیان دریا، دنیای پروانه‌ها، ستارگان آسمان و... به صورت نظام‌مند آشنا شود و به طبیعت، نه تنها به عنوان منبع کسب دانش، بلکه به عنوان منبعی الهام‌بخش، آزمایشگاهی زنده و پرورش‌دهنده خلاقیت بنگردد. در جامعه ما می‌رود تا ارتباطات روح‌بخش انسان‌ها با طبیعت پاک و زلال، به نوعی به ارتباط خشک، مکانیکی و الکترونیکی تبدیل شود.

امروزه دانش‌آموز ژاپنی مفهوم رشد و نمو در طبیعت، تغییر، ارتباط، تغذیه، هماهنگی با محیط و حفاظت از خود را در عالم موجودات زنده و بی‌جان طبیعت برای خود عینی نمی‌کند.

اگر علم امروز و دانش فناوری جدید به این درجه از رشد و تکامل رسیده است، نتیجه توجه انسان به طبیعت

الهام‌دهنده، و کشف و آشکارسازی رموز آن بوده است، ولی امروزه دیگر طبیعت الهام‌بخش نیست. کودکان ما علم و دستاوردهای آن را از دریچه بی‌روح رایانه می‌بینند و با آن آشنا می‌شوند. آنان خود دست به تجربه نمی‌زنند، بسیاری از مفاهیم را در عالم لمس نمی‌کنند و به نگرش‌های متعالی نمی‌رسند و از طبیعت سکون و آرامش نمی‌گیرند.

نتیجه این بحث کوتاه را می‌توان این‌گونه بیان کرد که «مبادا توجه به آشناسازی، آموزش سیستم‌های فناوری اطلاعات به معلمان و به کارگیری آن، که البته ضرورت نیز دارد، ما را از تجهیز معلمان فردا به چگونگی ارتباط با طبیعت، الهام گرفتن از آن، و غنی‌سازی ابعاد روحی‌شان غافل کند.

موضوعی که نظام آموزشی ژاپن امروز کم‌کم در آن احساس خطر می‌کند، این است که معلمان این کشور قادرند دانش‌آموزان و نوجوانان را با چگونگی به کارگیری این فناوری آشنا سازند، اما کم‌کم این توانایی را از دست می‌دهند که از بزرگ‌ترین منبع یادگیری، یعنی طبیعت بهره ببرند، رموز آن را کشف کنند و آن را به دیگران نیز بیاموزند؛ این همان توجه امروز و نیاز فردای معلمان ماست.

نکته دوم، توجه به بعد «ملی و جهانی» توسعه فناوری ارتباطی است. توجه به این موضوع بسیار مهم است که انسان‌ها به طور فطری و طبیعی و به لحاظ اجتماعی بودنشان، پذیرای ارتباط با یکدیگر هستند و ما کمتر انسان سالم و متعادلی را می‌بینیم که انزوا و گوشه‌نشینی را طالب باشد. از طرف دیگر، علمای علم الاجتماع، روابط انسان را در چهار بعد تعمیم می‌دهند: ۱. رابطه انسان با خود؛ ۲. رابطه انسان با اجتماع؛ ۳. رابطه انسان با محیط پیرامونی و موضوعات آن؛ ۴. رابطه انسان با خدا.

در نظر داریم که بررسی کنیم، توسعه فناوری‌های جدید به ویژه فناوری ارتباطات، به کدام نوع روابط کمک کرده و دامن زده و کدامین ارتباط انسان را ضعیف کرده است.

در یک بررسی ساده، قدرت و سرعت توسعه و فراگیر شدن ابزارهای ساده و در عین حال مهم مانند تلفن‌های سلولی یا موبایل در جوامع بشری در سطح جهان و یا در سطح کشور ایران، به ما نشان می‌دهد، رابطه انسان‌ها با یکدیگر نه به صورت چهره‌به‌چهره، بلکه به صورت صوتی، به شدت از نظر کمی توسعه یافته است و حتی جای‌گزین دیدارهای فامیلی، دوستانه و در فرهنگ مذهبی ما جای‌گزین صلۀ ارحام شده است و درک احساسات، و حالات روحی افراد را نسبت به هم کاهش داده و برعکس حالت‌های خودمحوری و غیراجتماعی در انسان‌ها شدت یافته است.

در جوامع صنعتی، حتی در محیط خانواده، پدر و مادر از فرزندان احساس فاصله می‌کنند و تنها به صورت اجزای دور از هم که هریک در دنیای خاص خود را دارند، به طور فیزیکی لحظاتی را کنار هم می‌گذرانند (ارتباط با دیگران).

توسعه رسانه‌های تصویری و ماهواره‌ای و حضور آن‌ها در کانون اجتماعی کوچک خانواده، با ارائه برنامه‌های سرگرم‌کننده، به این ارتباط طبیعی و فطری خانوادگی بسیار لطمه زده و افراد خانواده را از گفت‌وگوهای ساده خانوادگی (انتقال نسلی تجربیات و فرهنگ) نیز بازداشته است.

همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، توسعه فرهنگ رایانه و گردش هدفمند و غیرهدفمند در فضای مجازی رایانه‌ای، علاوه بر این که انسان‌های جهان امروز را از رابطه با محیط‌های طبیعی هم‌چون کوه، جنگل، دشت و دریا بازداشته، فرصتی برای تنهایی انسان که با خود و به خود فکر کند، باقی نگذاشته است. در حالی که ما انسان‌ها هر از گاهی نیازمند بررسی خود، رفتار خود و بازنگری در مجموعه شخصیتی خود هستیم.

نوع چهارم ارتباطی که بشر امروز به شدت از آن دور مانده و فناوری‌های ارتباطی فرصت و اجازه این ارتباط را کمتر می‌دهد، ارتباط با خدا، مبدأ هستی و روح کلی جهان است. در بسیاری از جوامع، امور معنوی بسیار سست و

کم‌ارزش شده و به ویژه در میان ملل غربی، دین به معنی واقعی، از آن‌ها رخت بر بسته و شاید تنها به مراسمی ظاهری و توخالی بدل شده است. در عصر حاضر، جوان امروز ما باید مزه رابطه و راز و نیاز خود را با

خدای خود تجربه کند و از روح کلی عالم و معنویت و معنی هستی انرژی بگیرد.

این نقطه امید را نباید فراموش کرد که جوهره انسان از دو گوهر مادی و معنوی سرشته شده است و نمی‌تواند بعد روحی و معنوی خود را نادیده بگیرد. انسان به هر دو جلوه

مادی و معنوی نیاز دارد.

خدای را سپاس می‌گزاریم که در برنامه درسی ملی، این دو بعد

زندگی واقعی (مادی و معنوی) به صورت توسعه و به کارگیری

علوم و فناوری‌های جدید، در کنار توسعه و تقویت

روحیه توحیدی و معناگرایی، در هم

ادغام و بر آن تأکید شده است.